www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Hidden Unemployment During Studies of Humanities Students of Ferdowsi University of Mashhad: Factors and Solutions

Tahereh Javidi Kalateh Jafarabadi *[1], Afsaneh Abdoli [2]

[1] Department of Foundations of Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
[2] Department of Educational Sciences, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Corresponding author: Tahereh Javidi Kalateh Jafarabadi, Department of Foundations of Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran E-mail: tjavidi@um.ac.ir

Article Info

Keywords: *higher education, humanities, university students, disguised unemployment on campus*

Abstract

Introduction: The term disguised unemployment during students' studies is adapted from economics and means wasting a large part of students' time during their studies. The main purpose of this article is to investigate the current situation of disguised unemployment among humanities students.

Method: In this research, using the case study method and using semi-structured interviews in Lived experience of 12 professors and 48 students of the 6th, 7th and 8th semesters of humanities at Ferdowsi University of Mashhad in connection with disguised unemployment during the studies of students and the factors affecting it, were investigated. The framework introduced by Brown and Clark was used to identify relevant issues and analyze research data.

Findings: The research findings showed that disguised unemployment is evident among humanities students. As the majority of students stated that they study less than one hour a day. Not raising current issues in classes, weak perception of the students of these fields and no expectations from students to give their opinion, the drop in academic motivation, lack of job opportunities in the future, leniency of professors, unaccountable acceptance of students and the inapplicability of these courses in these fields were mentioned as important reasons.

Conclusion: In order to overcome the problems caused by the disguised unemployment of humanities students, it is necessary for professors to master the use of teaching methods based on identifying and solving society's problems, and their concern is not only to transfer knowledge but also to open the eyes of learners to look at social life and solve its problems. In addition, the admission of students in these fields should not be based on the national entrance exam ranking, but based on the level of interest in these fields and based on a separate interview or entrance exam for each humanities field.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۷، شماره ۱، ۱۴۰۳
صفحات: ۷۴-۹۱

بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد: عوامل و راهکارها

طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی *[۱]، افسانه عبدلی [۲]

[۱] گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
[۲] گروه علوم تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

* طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران ایمیل: tjavidi@um.ac.ir

چکیده

مقدمه: واژه بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان از علم اقتصاد اقتباس‌شده و به معنای اتلاف بخش زیادی از وقت دانشجویان در دوران تحصیل است. هدف اصلی این مقاله بررسی وضعیت موجود بیکاری پنهان در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی است.

روش: در این پژوهش با استفاده از روش مطالعه موردی و بهره‌گیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته تجربه زیسته ۱۲ استاد و ۴۸ دانشجوی ترم ششم، هفتم و هشتم کارشناسی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در پیوند با بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن بررسی شد. از چارچوب معرفی‌شده براون و کلارک برای شناسایی موضوعات مرتبط و تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بیکاری پنهان در بین دانشجویان علوم انسانی مشهود است. چنانکه اکثریت دانشجویان اظهار نمودند که کمتر از یک ساعت در روز مطالعه دارند. عدم طرح مسائل روز در کلاس‌ها، تلقی ضعیف از دانشجویان این رشته‌ها، عدم انتظار از دانشجویان برای ارائه دیدگاه، افت انگیزه تحصیلی، کمبود فرصت شغلی در آینده، سهل‌گیری استادان، پذیرش بی‌حساب دانشجو و کاربردی نبودن دروس این رشته‌ها ازجمله دلایل مهم آن مطرح شد.

نتیجه‌گیری: برای غلبه بر مسائل ناشی از بیکاری پنهان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی لازم است اساتید در به‌کارگیری روش‌های تدریس مبتنی بر شناسایی و حل مسائل جامعه تبحر یابند و دغدغه آن‌ها نه‌تنها انتقال دانش، بلکه گشودن چشم فراگیران برای نگاه به حیات اجتماعی و حل مسائل آن باشد. همچنین پذیرش دانشجویان این رشته‌های نه بر اساس کسب رتبه کنکور سراسری، بلکه بر اساس میزان علاقه‌مندی به این رشته‌ها و بر اساس مصاحبه یا کنکور جداگانه برای هر رشته از رشته‌های علوم انسانی باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، علوم انسانی، دانشجویان دانشگاه، بیکاری پنهان در محوطه دانشگاه

مقدمه

اعلوم انسانی درصدد تبیین همه‌ی ساحت‌های حیات انسان، رفتارها و افعال او جهت اعتلای رشد و فهم انسانی و صلح در جهان است (۱). علوم انسانی این امکان را به افراد می‌دهد که ذهن پرسشگر داشته باشند، بهتر بفهمند تا بهتر بتوانند وضع موجود را به چالش بکشند و تغییر دهند. علوم انسانی در این شرایط یک خصلت رهایی‌بخش پیدا می‌کند تا از وضعیتی که در آن هستیم، از دیکتاتوری واقعیت موجود، تعیین گرایی تام و تمام، از زندانی شدن طبقاتی، محیطی و محله‌ای و تعلقاتی که نمی‌پسندیم، رهایی یابیم. آن پادزهری برای هرگونه تمامیت‌گرایی، دیکتاتوری، جبرگرایی و بنیادگرایی است. علوم انسانی به دلیل خصلت روشنفکرانه به معنای روشن‌اندیشی خودش، باعث می‌شود که سرمایه فرهنگی —که در سلسله‌مراتب اجتماعی از سرمایه اقتصادی مهم‌تر است–بیشتر شود. به همین دلیل این علوم امروزه به یک مطالبه عمومی تبدیل‌شده‌اند و به آن‌ها علوم ناپیدا می‌گویند، چون پخش و منتشر هستند و همه، از آن‌ها استفاده می‌کنند. به‌عنوان‌مثال حتی قدرت‌های سیاسی به‌منظور نقد خود علوم انسانی از علوم انسانی و ابزارهای مفهومی آن استفاده می‌کنند. جامعه برای اینکه بتواند به خودش، به نظمش، به بن‌بست‌ها و به راه‌های رهایی فکر کند، طبیعتاً به این علوم بیش از هر چیزی احتیاج دارد (۲). در همین راستا، امروزه در همه زمینه‌ها ازجمله علوم تجربی و مهندسی، توجه به نقش علوم انسانی موردتوجه قرارگرفته است. چنانکه از دهه ۱۹۴۰، علوم انسانی به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از تخصص گرایی بیش‌ازحد و ارتقا آگاهی اجتماعی دیده‌شده است (۳)؛ زیرا متخصصان هر رشته‌ای باید عواقب مستند یافته‌ها و اختراعات خودشان و راه‌حل‌های آن‌ها را در زمینه‌های جهانی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی ببینند، با شهروندان تعامل داشته باشند، خوب بحث کنند و تاریخ، ایده‌ها و اعمال انسان را درک کنند تا با روش‌های بهتر و کامل‌تری، به عموم مردم خدمت کنند. به‌این‌ترتیب دانش انسانی دانشی نگریسته می‌شود که در افزایش توانایی‌های تحلیلی، مقابله با پیش‌داوری، نقد ایدئولوژی، توجه به اخلاقیات علوم فناوری و غلبه بر خودمحوری فرهنگ‌ها نقش و مشارکت دارد (۴).

اما باوجود نقش زیربنایی علوم انسانی در اصلاح جامعه، هنوز سیاست‌گذاران درک درستی از آن ندارند و در جامعه ما علوم انسانی جایگاه ارزشمندی ندارد. چنانکه درک بوک Derek Bok می‌گوید «من فکر می‌کنم که یکی از بدترین اشتباهات اغلب سیاست‌گذاران این است که قادر نیستند فراتر از علم و اقتصاد چیزی به نام علوم انسانی را ببینند. درحالی‌که فردی که از علوم انسانی تغذیه می‌نماید، مردم را احساس می‌کند و معتقد به یک سرمایه و کار مشترک است. اینکه تاریخ (با همه تراژدی‌ها) متعلق به همه ما است و همه یک‌چیز مشترک داریم. درواقع، علوم انسانی، اهمیت بسیار زیادی در مراودات انسانی و ایجاد سعادت جهانی دارد، پیش‌شرط‌های لازم برای رشد شخصی و مشارکت در یک دموکراسی آزاد، فارغ از انتخاب شغلی را فراهم می‌کند» (۵) و مستعد است تا نقش عمده‌ای در زایش و افزایش خودآگاهی و گسترش تفاهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انسان ایفا نماید (۶)؛ بنابراین، باید به‌عنوان مظهر خودآگاهی هر جامعه، معارف انقلابی و «دگرگون‌ساز» و به‌عنوان مهارت‌های ادراکی و نرم‌افزاری (که نقش ویژه‌ای در رفتارسازی و اندیشه‌پروری دارند) دیده شود. چراکه هم بنیادهای هر جامعه را به‌طور عام و خاص، موردبررسی قرار می‌دهد و هم توسعه علوم طبیعی و تجربی مرهون بسترسازی آن است (۷).

بااینکه ٪۵۶ درصد از جمعیت دانشجویان (۸ و ۹) در رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌ها دولتی و غیردولتی کشور مشغول به تحصیل هستند و دانشجویانی که این رشته‌ها را انتخاب می‌کنند باید مهارت‌های نوشتاری و تحلیلی بالایی را کسب کنند تا بتوانند هم شرایط جدید و نظام تعلقاتی انسان و هم آنچه فناوری‌های جدید رقم می‌زند را موردسنجش قرار دهند؛ اما علوم انسانی نسبت به دیگر رشته‌های علمی، پیشرفت چشمگیری نداشته است و تا حدودی در وضعی نابهنجار بسر می‌برد. چنانکه این حوزه هم در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی، موقعیت مناسب خود را در جامعه نیافته است (۱۰) و هم در تحقق آرمان‌ها و اهداف خود و ایجاد تغییر و تحول در ساختارهای اجتماعی موفق نبوده و حتی در ارائه پژوهش‌های اصیل و معتبر نمایه شده در ISI با ضعف روبرو بوده و نتوانسته سهم قابل‌توجهی از تولیدات علمی را به خود اختصاص دهد (۱۱ و ۱۲).

فریلند Freeland معتقد است گرچه هدف آموزش علوم انسانی توسعه فکری است، اما استادان این رشته‌ها هنوز نمی‌دانند چگونه خواهند توانست به‌طور مؤثری زمینه توسعه فکری را در دانشجویان خود فراهم کنند (۵). به‌این‌ترتیب این چالش‌ها و نارسایی‌ها، منزلت علمی این رشته‌ها و کیفیت آموزش و پژوهش را در مراکز دانشگاهی کاهش داده است (۱۳ و ۱۴). این عدم درک درست، منجر به افت شدید این رشته در حیطه‌های مختلف شده است. به‌عنوان‌مثال نتایج

یک پژوهش (۱۵) نشان می‌دهد که کشش استادان رشته‌های علوم انسانی به استفاده از روش‌های سنتی تدریس (روش سخنرانی و حداکثر بحث و گفت‌وگو در جریان تدریس) بیشتر از استادان سایر رشته‌هاست. همچنین، بنا بر پژوهش دیگر (۱۰) فعالیت‌های کلاسی رشته‌های علوم انسانی، خالی از بحث‌ها، تضارب آرا و تعاملات فکری و معرفی منابع مناسب و کافی است. این تحقیقات نشان می‌دهد که هنوز دانش علوم انسانی نسبت به علوم دیگر، علوم بسیار آسان که مستلزم تلاش زیادی نیستند، تعبیر می‌شوند. این وضعیت به دانشجویان اجازه می‌دهد تا بدون جدیت و صرف زمان کافی برای مطالعه و پیگیری دروس خاص رشته خود و بدون اینکه به کاربردهای عملی مفاهیم آموخته‌شده، بیندیشند، با خیال راحت در کلاس‌ها حضور یابند و فقط به هنگام امتحانات پایان‌ترم، به حفظ مطالب و انباشتن آن‌ها در ذهنشان بپردازند. در این صورت، دانشجو غیرفعال و ناکارآمد بار آمده و احساس ناتوانمندی، سرخوردگی و حقارت می‌کند (۱۶).

درواقع، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این شیوه تدریس و تحصیل، ظهور معضل بیکاری پنهان در رابطه با تحصیل است. واژه بیکاری پنهان حین تحصیل به نحوه استعاره‌ای از علم اقتصاد اقتباس‌شده است. در این پژوهش، این واژه بدین معنا است که باوجود تصور آحاد جامعه مبنی بر اینکه «دانشجویی» فعالیتی تمام‌وقت است، ولی به دلیل نابسامانی وضعیت آموزشی، بیشتر اوقات دانشجویان به‌غیراز ساعات حضور در کلاس، به بیکاری و اتلاف وقت و یا حتی انجام کارهای ناشایست توسط برخی از آنان- که ممکن است در شأن آن‌ها نباشد و در معرفت عامیانه بزهکاری محسوب شود- سپری شود. درواقع، چنین به نظر می‌رسد که ابهام در انتظارات سیستم آموزشی از دانشجویان علوم انسانی، باعث کاهش انگیزه آن‌ها برای انجام فعالیت علمی، حداقل استفاده از نیرو و توان خود و بروز تنبلی در آن‌ها یا به‌نوعی بیکاری پنهان حین تحصیل شده است. به‌این‌ترتیب، دانشجویان در سیستم آموزشی به‌ظاهر مشغول به تحصیل هستند، ولی عملاً در انجام فعالیت‌های علمی آن رشته، درگیر نمی‌شوند و به انجام کارهایی که در راستای اهداف تحصیلی آن‌ها نیست، مبادرت می‌ورزند. ازآنجایی‌که دانشجویان و اساتید این رشته‌ها، مناسب‌ترین منابع اطلاعاتی هستند که قادرند تصویر دقیقی از پدیده بیکاری پنهان حین تحصیل در اختیار محققان قرار دهند، هدف اصلی نگارندگان مقاله حاضر این است که از طریق توصیف و تحلیل دیدگاه‌های آن‌ها؛ ضمن ارائه سیمایی از وضعیت بیکاری پنهان حین تحصیل در دانشگاه فردوسی مشهد، به توصیف علل آن و راهکارهایی برای حل این معضل و بهبود وضعیت حاضر و توسعه کیفی رشته‌های علوم انسانی از منظر پژوهیده‌ها بپردازد.

روش ها

این مطالعه از رویکرد کیفی در پارادایم تحقیق تفسیری است. ازآنجاکه هدف این مطالعه این است که درک عمیقی از مسائل و راهکارهای مطلوب درباره‌ی پدیده بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به دست آید، این رویکرد برای این مطالعه مناسب و مناسب تشخیص داده شد. هدف این بود که با استفاده از دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان از ماهیت واقعیت و آنچه در مورد موضوع تحقیق می‌دانند، اطلاعات موثق به دست آید. در این روش، شرکت‌کنندگان روشی بی‌پایان یا نامحدود برای ارائه دیدگاه‌های خود و نشان دادن اقدامات خود داشتند؛ بنابراین، چارچوب تفسیری که با روش تحقیق کیفی همخوانی داشت، به‌عنوان نظریه‌ای که زیربنای تحقیق کیفی است، استفاده شد. آن از طریق یک فرآیند تعاملی شخصی با شرکت‌کنندگان باعث تولید داده‌های توصیفی انبوه در مورد درک آن‌ها و نسبت دادن معنا به تحقیق می‌شود. همچنین این مطالعه موردی بود، مطالعه موردی یک روش تحقیق برای انجام تحقیقات کیفی به‌منظور به دست آوردن داده‌های طبیعی، معتبر و قابل‌اعتماد است. در مطالعه موردی یک پدیده خاص مانند یک برنامه، یک رویداد، یک فرد، یک فرآیند، یک موسسه یا یک گروه اجتماعی بررسی می‌شود. مطالعه موردی مستلزم درک یا درک عمیق شرکت‌کنندگان از رویدادهای مربوط به موضوع موردمطالعه است. سه نوع مختلف از مطالعات موردی اکتشافی، توضیحی و توصیفی هستند، برای این مطالعه، مطالعه موردی توصیفی انتخاب شد، زیرا یک گزارش روایتی ارائه می‌دهد و به محقق این امکان را می‌دهد که درک و تجربیات اساتید و دانشجویان را عمیقاً بررسی نماید. اینکه اساتیدی که مشغول به تدریس رشته‌های علوم انسانی و همچنین دانشجویانی که در این رشته‌ها تحصیل می‌نمایند با چه مسائلی مواجهه بود و چه راهکارهایی برای آن دارند. ابزار این تحقیق مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. ازآنجاکه از فن مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد، بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی، افرادی که تصور می‌رفت که ازنظر اطلاعاتی قوی و توان گفتگو دارند به‌عنوان نمونه

معرفی و انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. نمونه شامل ۱۲ استاد و ۴۸ دانشجوی ترم ششم، هفتم و هشتم کارشناسی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد بودند. به این دلیل دانشجویان ترم‌های بالاتر انتخاب شدند که تجربه بیشتری در زمینه حضور در دانشگاه داشتند. به‌این‌ترتیب، اساتید و دانشجویان علوم انسانی منابع تولید داده‌های مصاحبه بودند. مصاحبه‌ها هم با ضبط‌صوت، ضبط شدند و هم به‌صورت مکتوب از آن‌ها یادداشت‌برداری شد. این کار فرصتی را برای تمرکز بر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان و فرصتی برای بررسی وضوح و اطلاعات بیشتر فراهم می‌کرد. روایی مصاحبه نیز با تکرار پاسخ پژوهیده‌ها توسط مصاحبه‌گر و گرفتن تأیید اینکه آیا منظور آن‌ها همان چیزی است که مصاحبه‌گر ثبت کرده است، به دست آمد. به عبارتی، با بررسی پاسخ‌های ارائه‌شده از روش member check برای مقبولیت یا قابلیت پذیرش یافته‌ها، پاسخ‌های که به‌وسیله پژوهشگر ثبت‌شده بود دوباره به اطلاع مصاحبه‌شونده‌ها رسید تا مشخص شود که پاسخ ثبت‌شده به‌وسیله پژوهشگر با نظر آن‌ها یکسان است یا خیر. به‌علاوه، از همه مصاحبه‌شونده‌ها برای انجام مصاحبه هم رضایت آگاهانه کسب شد و هم به‌منظور حفظ و رعایت حقوق آن‌ها، به آن‌ها اطلاع داده شد که در نشر نتایج پژوهش، از ذکر نام آن‌ها خودداری خواهد شد. مهم‌ترین سؤالاتی که از اساتید دانشگاه فردوسی مشهد به عمل آمد عبارت‌اند از:

۱) واژه بیکاری پنهان حین تحصیل در ارتباط با دانشجو، چه چیزی را به ذهن شما متبادر می‌نماید؟

۲) علل و عوامل اصلی بیکاری پنهان حین تحصیل از کجا نشأت می‌گیرند یا ریشه‌های آن به کجا برمی‌گردد؟

۳) به نظر شما بهترین راهکارها رفع بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان علوم انسانی و بهبود وضعیت آن چیست؟

مهم‌ترین سؤالاتی هم که از دانشجویان به عمل آمد عبارت‌اند از:

۱) فعالیت‌های علمی رشته شما چند ساعت از وقت شما را می‌گیرد و بقیه اوقات خود را چکار می‌کنید؟

۲) چه انتظار و توانمندی‌های از آموزش عالی انتظار داشتید که با ورود به دانشگاه به آن‌ها دست یابید، به چند درصد از این انتظارات دست‌یافته‌اید؟

۳) عوامل مؤثر بر دستیابی به انتظاراتتان چه چیزهایی بوده‌اند؟

۴) موانع دستیابی به انتظاراتتان از رشته تحصیلی چه چیزهایی بوده‌اند؟

۵) چه راهکارهایی را برای دست‌یابی بیشتر به انتظاراتتان از رشته موردمطالعه پیشنهاد می‌نماید؟

بعد از اجرای مصاحبه، دیدگاه‌های اساتید و دانشجویان (داده‌های پژوهشی به‌دست‌آمده)، موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب معرفی‌شده توسط براون و کلارک[1] برای شناسایی موضوعات مرتبط انجام شد. در چارچوب آن‌ها برای تحلیل اطلاعات شش مرحله وجود داشت:

۱. آشنایی با داده‌ها: این مرحله شامل فرآیند چندین بار خواندن، نوشتن یادداشت‌ها و یادداشت از برداشت‌های اولیه است.

۲. ایجاد کدهای اولیه: داده‌ها با اختصاص کدهایی به روشی معنی‌دار و سامانمند سازمان‌دهی می‌شوند تا آن‌ها را به قطعات کوچک معنا، کاهش داد.

۳. جستجو برای مضامین: یک موضوع را می‌توان بااهمیت آن مشخص کرد. تمام کدهایی که قبلاً شناسایی‌شده‌اند باید به‌طور کامل بررسی شوند تا به یک ایده کلی از کدها رسید.

۴. مرور مضامین: این شامل فرآیند بررسی، اصلاح و توسعه مضامین اولیه است تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها واضح، منطقی، مرتبط هستند و همچنین دارای همپوشانی نیستند.

۵. تعریف تم‌ها (موضوع‌های اصلی): این کار به‌منظور اصلاح مضامین با درک واقعی ارتباط متقابل همه مضامین انجام می‌شود.

۶. نوشتن و گزارش یافته‌ها.

درواقع، داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. در تجزیه‌وتحلیل محتوا، رونوشت‌های کلمه به کلمه کدگذاری شدند و در دسته‌هایی از معنی سازمان‌دهی شدند، هنگام پردازش داده‌ها، اشتباهات احتمالی رونویسی برای قابل‌اعتماد بودن بررسی شد. پس از سازمان‌دهی داده‌ها در دسته‌بندی‌ها، موضوعاتی ارائه شد که حاصل تجزیه‌وتحلیل پاسخ‌های اساتید و دانشجویان رشته علوم انسانی است.

[1] . Braun and Clark

یافته‌ها

مطالبی که به دنبال می‌آید، دیدگاه اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان کارشناسی رشته‌ها علوم انسانی در پاسخ به سؤالات پژوهش است.

دیدگاه اعضای هیئت‌علمی

جدول ۱: معنا و مفهوم بیکاری پنهان حین تحصیل در ارتباط با دانشجو

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N1, N2, N4,N6, N8, N9, N12	عدم انجام فعالیت مؤثر و مفید دانشگاهی توسط دانشجویان رشته‌های علوم انسانی	**عدم فعالیت مؤثر و مفید علمی**	**معنا و مفهوم بیکاری پنهان**
N3, N6	پرداختن سطحی به فعالیت علمی		
N8,N10, N12	بی فعالیتی در حوزه رشته خود		
N10, N2, N4, N8	عدم استفاده بهینه از فرصت دانشجویی		
N11,N7	وقت‌گذرانی با دوستان	**وقت‌گذرانی**	
N5,N7,N9	عدم بهره‌وری کامل از وقت		
N1,N5	عدم شناخت واقع‌بینانه از رشته خود	**عدم شناخت واقع‌بینانه رشته**	
N5, N11.	بیکاری آشکار تحصیلی	**بیکاری آشکار تحصیلی**	

همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد اساتید بیکاری پنهان تحصیلی را عدم فعالیت مؤثر و مفید علمی، وقت‌گذرانی، عدم شناخت واقع‌بینانه از رشته و نوعی بیکاری آشکار تحصیلی می‌دانستند.

جدول ۲: علل و عوامل اصلی بیکاری پنهان حین و ریشه‌های آن

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N1,N2,N5,N6,N9,N12	عدم شناخت دانشجویان از رشته‌ی خود و کاربرد آن قبل از ورود به دانشگاه	**مسائل قبل از ورود به دانشگاه**	**علل و عوامل بیکاری پنهان و ریشه‌های آن**
N2,N3,N4,N7,N8,N9, N11	ورود دانشجویان ضعیف به رشته‌های علوم انسانی به دلیل انتخاب رشته در دوران دبیرستان		
N3,N4,N7,N10,N12	عدم توجه به علاقه دانشجویان در هنگام انتخاب رشته‌های علوم انسانی		
N3,N6, N7,N8,N10	وابستگی انتخاب رشته دانشجویان به رتبه کنکور		
N7,N4,N12	اجبار دانشجویان به یک‌رشته خاص توسط خانواده‌ها		
N5, N8,N11,	عدم انتخاب رشته موردعلاقه به دلیل ترس از بیکاری		
N1,N3,N4,N5,N6,N7,N9,N10	ناامیدی از آینده شغلی و فرصت شغلی کم رشته‌های علوم انسانی	**آینده تحصیلی نامشخص**	
N1,N2,N4,N5,N11	نداشتن چشم‌اندازی از آینده شغلی توسط دانشجو		
N1,N6,N7,N10	عدم انتهای مشخص برای پایان دوره کارشناسی		
N3,N4,N8,N11	چالش‌برانگیز نبودن دروس	**برنامه‌های درسی ضعیف**	
N2	آسانی سرفصل‌های درسی و عدم نیاز به تدریس استاد		
N4,N5,N7,N8,N9	حداقل زحمت و خواندن در شب‌های امتحان و قبولی و کسب نمره با یک شب زحمت در شب امتحان و عدم احساس نیاز به تلاش		
N12	وابستگی کم دانشجو به استاد به دلیل ماهیت آسان درس‌ها و رشته‌های علوم انسانی در ایران		
N1,N2,N6,N7,N12	کتاب‌های تکراری و ناکارآمد		
N3,N4,N9,N12	عدم کاربردی بودن کتاب‌ها		
N1,N2,N6,N10,N11	کتاب‌های از پیش تعیین‌شده		

N1,N2,N3,N5,N8,N9,N10,N12	ناتوانی برخی اساتید در به چالش کشیدن دانشجویان به دلیل تعداد زیاد دانشجویان	**مسائل مربوط به اساتید**	
N2,N5	عدم انتظار اساتید از دانشجویان		
N1,N3,N6,N7	عدم ابتکار اساتید		
N1,N4,N5,N11,N12	عدم تعریف درستی از اهداف هر رشته توسط هر استاد		
N2,N3,N6,N7,N8,N9	استفاده از روش سخنرانی توسط اکثریت اساتید		
N3,N4,N6,N8,N10	روش تدریس اساتید و عدم کاربردی کردن دروس		
N1,N2,N3,N5,N8,N9,N10,N12	عدم تلاش در روشن نمودن مفهوم ارزش علمی علوم انسانی برای دانشجو	**جایگاه ناروشن و نامفهوم ارزش علمی علوم انسانی و تبعیت از سیاست‌های عوامانه**	
N6,N7,N9	پایگاه و ارزش اجتماعی پایین رشته‌های علوم انسانی		
N1,N3,N4,N6,N7, N9,N11,N12	سیاست‌گذاری غلط در زمینه رشته‌های علوم انسانی		
N4, N5,N7,N8,N9,N11	عدم هدفمندی رشته‌های علوم انسانی به شکل کارساز، مفید و واقع‌گرا		
N1,N2,N5,N6,N7,N8	عدم تعریف کاربرد معین برای رشته‌های علوم انسانی		
N1,N2,N5,N6MN8,N9,N12	عدم جایگاه ویژه رشته‌های علوم انسانی در بین مردم		
N1,N2,N4,N5,N6,N7,N9.N10.N12	پذیرش بی‌رویه دانشجو		
N1,N2,N4,N5,N7,N8,N9,N10,N11	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بر اساس خواسته‌های عوام‌پسندانه و اهداف سطحی مردم و اغنا مطلوب عوام		
N1,N3,N5	عدم نیازسنجی برای رشته‌های علوم‌انسانی		
N4,N5,N7,N8, N9,N11	انفعال دانشجو به دلیل سروکار داشتن با چیزهای تکراری و غیر چالشی	**نظام آموزشی معیوب**	
N5,N8,N9,N10,N12	عدم انتظار نظام آموزشی از دانشجویان علوم انسانی		
N1,N2,N3,N5,N8,N9,N10	کمبود نوآوری، تحقیق و کشف در رشته‌های علوم انسانی		
N1,N6,N7,N10,N12	مصرف‌گرایی افکار دیگران		
N1,N2,N3,N4,N5,N7,N8,N9,N10,N12	صرفاً کسب مدرک و متداول شدن استفاده تجملی از مدرک تحصیلی در خانواده‌ها	**استفاده تجملی از مدارک**	
N1,N3, N5,N9	پوچی و سرگردانی، سرخوردگی، بی‌انگیزگی و تنبلی دانشجو	**مسائل ناشی از دانشجو**	
N1,N2,N4,N5,N8,N11	عدم انگیزه‌ی کافی برای انجام فعالیت علمی هدفمند		
N2,N5,N8,N12	حضور عادت وار در کلاس‌ها		
N1,N3,N6,N7,N9,N10,N11,N12	صرف وقت برای چیزهای غیرعلمی		
N3,N4.N7,N10,N11	عدم احساس نیاز دانشجویان به تلاش زیاد		
N2,N6,N7	غرور کاذب دانشجویان نسبت به متون و احساس و دانایی بیش از کتاب‌ها		
N3,N4,N5,N7,N11	انجام و شرکت در فعالیت‌های غیردرسی اما مهیج		
N2,N3,N6,N8,N9,N10	تعداد زیاد دانشجویان علوم انسانی در هر کلاس	**فضاهای تحصیلی**	
N2,N3,N6,N8,N9,N10	عدم فرصت اساتید برای مشارکت دانشجویان در درس‌ها و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کلاسی		
N1,N2,N4,N5,N7,N11	عدم استفاده از توان دانشجو در کشف چیزهای جدید		
N2,N5,N9,N10,N12	عدم نهادینه شدن فضای تلاش و کوشش در دانشگاه‌ها		
N1,N2,N5,N6,N8	محیط دانشگاهی آسیب آفرین و مشغولیت‌های ذهنی برای دانشجویان		

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان داد اساتید بیکاری تحصیلی دانشجویان را در مسائل قبل از ورود به دانشگاه، آینده تحصیلی نامشخص، برنامه‌های درسی ضعیف، مسائل مربوط به اساتید، جایگاه ناروشن و نامفهوم ارزش علمی علوم انسانی و تبعیت از

سیاست‌های عوامانه، نظام آموزشی معیوب، استفاده تجملی از مدارک، مسائل ناشی از دانشجو و فضاهای تحصیلی نامناسب می‌دانستند.

جدول۳: بهترین راهکارها رفع بیکاری پنهان حین تحصیل دانشجویان علوم انسانی و بهبود وضعیت آن

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N1,N2,N4,N5,N6,N7,N8,N9,N10,N11	برنامه‌ریزی اصولی برای پذیرش دانشجویان علوم انسانی با تأکید بر گزینش بهترین دانشجویان و اطمینان از توان علمی داوطلبین	**برنامه‌ریزی اصولی و تعیین هدف و جایگاه روشن برای علوم انسانی**	**پیشنهادها برای غلبه بر بیکاری پنهان**
N1,N2,N3,N5,N8,N9,N12	کاهش پذیرش دانشجو و پذیرش متناسب با فرصت‌های شغلی		
N1,N2, ,N3,N4,N5,N8,N9,N10, N12	برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های توجیهی متعدد برای دانش آموزان قبل از ورود به دانشگاه		
N2,N5,N11	ارتقا و فرهنگ‌سازی در مورد ارزش اجتماعی علوم انسانی، روشن شدن فلسفه وجودی آن‌ها و جا انداختن خلاقیت فکری		
N7,N9	مشخص نمودن جایگاه دانشجو		
N3,N4,N12	ارتباط منطقی بین توسعه دانشگاه و جذب دانشجو برای جامعه		
N1,N2,N3,N4,N5,N6,N8,N9,N10,N11, N12	مشخص و هدفمند بودن سیاست‌های کلان مسئولین رده‌بالا و وزارت آموزش عالی (پذیرش برای رفع نیاز شغلی یا بالا بردن فرهنگ)		
N3,N4,N6,N8,N9,N11	روشن نمودن آینده علم و مهارت دانشجویان علوم انسانی (آینده حرفه‌ای)		
N1, N3,N4,N6,N7,N8,N11,N12	برگزاری کنکور تخصصی هر رشته و گرایش به‌صورت تخصصی بجای کنکور عمومی	**برگزاری کنکور تخصصی برای هر رشته**	
N12	اصلاح فرایندهای آموزشی موجود	**اصلاح آموزش**	
N2,N6,N7,N12	استفاده از ترکیب نظر و عمل و دوری از تربیت نظری صرف		
N2,N5,N8,N9,N10	درگیر کردن و شرکت دادن دانشجویان در پروژه‌های محلی گره‌گشا و حل مسائل جامعه		
N1,N2,N4,N9,N12	به چالش کشاندن دانشجویان برای کسب مهارت‌های پایه تفکر انتقادی و خلاق		
N3,N4,N8,N9,N10	ارتباط منطقی بین رشته و زندگی روزمره		
N1,N2,N6,N7,N8	معرفی کتاب‌های متعدد نه یک کتاب برای یک درس خاص		
N2,N5,N8,N9,N10	آشنا کردن دانشجویان با مسائل جامعه و روش‌های حل آن‌ها		
N1,N2,N4,N5,N6,N7,N8,N9,N12	تشویق اساتید نوآور در حوزه فضای کاری و پژوهشی	**بهره‌مندی از اساتید توانمند و افزایش توان آن‌ها**	
N1,N6,N7,N11	سخت گرفتن بر دانشجویان به‌جای سهل گیری		
N1,N3,N4,N8,N12	بروز شدن علم اساتید و دانشجویان		

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان داد اساتید بهترین راهکارهای غلبه بر بیکاری پنهان حین تحصیلی را برنامه‌ریزی اصولی و تعیین هدف و جایگاه روشن برای علوم انسانی، برگزاری کنکور تخصصی برای هر رشته، اصلاح آموزش، بهره‌مندی از اساتید توانمند و افزایش توان آن‌ها می‌دانند.

جدول۴: میزان اختصاص زمان به فعالیت‌های علمی رشته و نحوه صرف زمان

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N2,N5,N6.N7,N9,N11,N12,N15,N16,N17,N19,N24,N26,N28,N31,N33,N34,N35,N37,N38,N39,N40,N41, ,N45,N46,N48	کمتر از یک ساعت	**کمتر از یک ساعت**	**میزان زمان اختص اصی داده‌شد ه برای یادگیری**
N3,N10,N13,N20,N23	یک الی دو ساعت	**یک الی دو ساعت**	
N1,N8,N14,N18,N22,N25,N43	سه الی چهار ساعت در روز	**سه الی چهار ساعت در روز**	
N21, N26	چهار الی پنج ساعت	**چهار الی ساعت**	
N27,N30,N43,N44	وابسته به میزان اجبار یک استاد و شب امتحان	**وابسته به اجبار استاد**	
N47	خندیدن و اذعان به کمبود فعالیت علمی در دانشگاه	**زمان خیلی محدود**	
N6.N7,N9,N11,N12,N15,N16,N17,N24,N26,N28,N31,N33	صحبت با دوستان	**فعالیت تفریحی و سرگرم ی**	**فعالیته ای غیردر سی**
N1,N2,N5,N8,N9,N17,N23,N27	تماشای فیلم		
N1,N5,N8,N9,N10,N15,N18,N19,N20,N26,N27,N29.N32,N36,N37,N39,N43	خرید و دید زدن مغازه‌ها		
N3,N9,N12,N7,N28,N35,N46	رفتن به رستوران		
N8,N10,N13,N17,N33,N36,N37	تفریح بی‌برنام ه در پارک‌ها		
N37,N14,N21,N40	رفتن به مسجد		
N3,N7,N9,N11,N12,N15,N16,N17,N24,N26,N32,N40,N44,N47	استراح ت، خواب، و دور خود		

		چرخیدن	
		انجام کارهای خانه	N13,N14,N16,N21,N22
		چک کردن سایت‌های مختلف و چت، گردش در فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، واتساپ	N1,N3,N5,N8,N10,N12,N16,N17,N19,N21,N22,N23,N25,N26,N27,N28.N29,N30,N32,N34,N35,N36,N38,N40, N41,N42,N43,N44,N45,N46,N47,N48
		رقصیدن	N1,N2,N5,N8,N9,N17,N23,N27
	فعالیت‌های کاربردی غیردرسی	مطالعه کتاب‌های غیردرسی	N1,N3,N6,N12,N23,N24,N31,N35,N39,N43,N44
		شرکت در کلاس‌های غیردرسی	N13,N17,N29,N33
		مطالعه زبان	N9,N14,N23,N36,N38,N46,N48
		آرایشگری	N3,N7
		عضویت در کلوپ‌ها	N15,N19
		شرکت در کارگاه‌ها	N23,N36,N39
		فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی	N1,N6,N9,N11,N20,N24,N25,N33,N37,

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد دانشجویان معتقد بودند وابسته به اجبار استاد روزانه زمان خود را صرف مطالعه می‌کنند و بیشتر آن‌ها معتقد بودند روزانه کمتر از یک ساعت را صرف مطالعه درسی می‌کنند و گروه خیلی کمتری در این زمینه زمان زیادی را صرف مطالعه می‌کردند. اما بقیه زمان خود را صرف فعالیت تفریحی و سرگرمی و همچنین فعالیت‌های کاربردی غیردرسی می‌کنند.

جدول ۵: میزان دستیابی به انتظارات از آموزش عالی و توانمندی‌های مورد انتظار

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N1,N8,N14,N18,N21, N22,N25,N26, N43	دستیابی به ۷۰ درصد	**۷۰ درصد**	**درصد دستیابی به توانمندی**
N3,N10,N13,N17, N19,N20,N23,N27,N29,N30, N33,N35,N42,N44,N46,N47	دستیابی به ۵۰ درصد	**۵۰ درصد**	
N4,N6,N7,N9,N11,N12,N15, N16,N24,N28,N31,N32,N34, N36,N37,N38,N39,N40,N41, N45	دستیابی به ۲۰ درصد	**۲۰ درصد**	
N2,N5	دستیابی به ۳ تا ۵ درصد	**۳ تا ۵ درصد**	
N2,N5,N7,N28,N34,N37	افزایش انگیزه تحصیل در دانشگاه	**بهبود و افزایش انگیزه تحصیلی**	**انتظار از دانشگاه**
N2,N5,N16,N24,N31	لذت از درس‌ها و یادگیری		
N1,N5,N6,N7,N8,N9,N13,N1 4,N18,N19,N21,N23,N24,N2 5,N26,N28,N30,N36,N40,N4 3,N47	تدریس محتوایی برای شرایط متغیر نه شرایط ثابت و همچنین مسائل روز	**تدریس هدفمند و اساتید توانمند**	
N2,N5,N10,N11,N12,N15,N1 6,N22,N24,N31,N35,N45,N4 6	به چالش کشیده شدن در درس‌ها		
N1,N3,N4,N5,N14,N15,N17, N20,N27,N29,N32,N33,N34, N37,N38,N39	سطح بالای علمی اساتید		
N7,N11,N5,N18,N19,N24,N2 5,N28,N29,N34,N36,N38,N4 1,N42,N43,N44,N47	احساس وظیفه اساتید نسبت به کارشان		
N1,N5,N6,N7,N8,N9,N13,N1 4,N18,N19,N21,N23,N24,N2 5,N26,N28,N30,N36,N40,N4 3,N47	سخت‌گیری اساتید نه سهل گیری و بی‌تفاوتی		
N3,N4,N5,N14,N15,N17,N20 ,N27,N29,N34,N36,N38,N41, N42,N43,N44	بار آمدن یک فرد متفکر و روشنفکر بار و دارای وجهه و بار علمی	**شکل‌گیری هویت علمی و افزایش توانمندی با درگیری تحصیلی بالا و تلاش هدفمند**	
N2,N5,N9,N10,N11,N12,N15 ,N16,N19,N22,N24,N31,N35, N45,N46	استفاده از بار علمی من در حل مسائل و توانمندی در غلبه با مسائل خود و رشته‌ام		
N1,N5,N6,N7,N8,N9,N13,N1 4,N18,N19,N21,N23,N24,N2 5,N26,N28,N30,N31,N33,N3 6,N40,N42,N43,N45,N47	خلق یک انسان مسئله مند، پویا، مطالبه گر و جستجوگر که شبانه‌روز در حال فعالیت مرتب علمی، مطالعه عمیق، سخت‌کوشی تمام‌وقت، کشف نمودن و سخت‌کوشی است		
N6,N16,N19,N31,N37,N39,N 43	گوش دادن و اهمیت دادن به درس‌ها		
N10,N12,N15,N16,N20,N22, N24,N31,N35,N39,N45,N46	درس‌های وقت‌گیر، چالش‌برانگیز و مستلزم تلاش و خلاقیت فکری		
N9,N14,N23,N36,N38,N46,N 48	بهبود زبان بین‌المللی (انگلیسی)	**کسب مهارت**	
N9,N10,N11,N12,N15,N16,N 19,N22,N24,N31	یادگیری نحوه مواجهه علمی با مسائل جامعه و توانمندی در انجام فعالیت علمی		
N5,N9,N10,N11,N12,N15,N1 6,N19,N22	تشخیص مسائل و مشکلات تخصصی رشته و کاربردهایِ رشته خود		
N2,N3,N5,N7,N8N9,N10,N1 1,N12,N15,N16,N19,N22,N2 4,N27,N31,N35,N45,N46	توقع فرصت‌های شغلی خوب	**آینده شغلی روشن**	

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد تعداد کمی از دانشجویان اذعان داشتند که ۷۰ درصد از انتظاراتشان برآورده شده است، تعدادی دیگر زیادی بر این اعتقاد بودند که به ۵۰ درصد انتظاراتشان دست‌یافته‌اند و تعدادی هم فقط ۲۰ درصد انتظاران خود را محقق شده می‌دانستند و درنهایت برخی معتقد بودند که به ۳ تا ۵ درصد انتظارات خود دست‌یافته‌اند.

همچنین مهم‌ترین انتظارات آن‌ها از دانشگاه بهبود و افزایش انگیزه تحصیلی، تدریس هدفمند و اساتید توانمند، شکل‌گیری هویت علمی و افزایش توانمندی با درگیری تحصیلی بالا و تلاش هدفمند، کسب مهارت و آینده شغلی روشن می‌دانستند.

جدول ۶: عوامل مؤثر بر دستیابی به انتظارات

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N1,N6,N8,N19,N33	گفته‌های برانگیزاننده	کسب انگیزه از طرق مختلف	عوامل مؤثر بر دستیابی به انتظارات
N2,N9,N24,N37,N41,N42	ارائه و شنیدن زندگی عالمان گذشته	تکیه بر توانمندی‌های خود و نوع انتخاب‌ها	
N1,N8,N14,N18, N20, N 21,N22, N23,N25, N26, N29, N30,N33,N35,N42,N43, N44	تلاش بالا، علاقه، انگیزه، مطالعات همه‌جانبه و سطح علمی خود		
N22,N25,N28,N31	رقابت با دیگران		
N3,N7,N11,N15,N16,N17,N21	دوستان خوب		
N7,N12,N19,N22,N41	استرس شرمنده شدن در برابر دیگران در کلاس		
N3,N8,N10,N23, N28,N30,N35,N42,N47	محتوای کتاب‌ها	عوامل مرتبط با محتوای دروس	
N8,N14,N18, N20, N 21,N22, N23	تشویق خانواده	خانواده	
N3, N5, N7,N10,N13,N17, N19,N20,N23, N24,N26, N27,N29,N30,N33,N35, N37, N42,N44,N46,N47	اساتید سخت‌کوش، توانا، سخت‌گیر، چالش‌برانگیز و به‌روز و دارای روش تدریس مهیج	توانمندی اساتید	
N1,N8,N14,N16, N18,N21, N22,N25,N26,N31,N43	اساتید ترغیب‌کننده به تحقیق و انجام امور جدید		
N3, N5,N10,N13,N17, N19,N20,N23, N24, N27,N29,N30,N33,N35, N37, N42,N44,N46,N47	اساتید سخت‌گیر		
N32,N34,N45,	جو کلاسی استاد		
N2,N6,N18	برخورد اخلاقی استاد		
N4,N7,N17,N21,N34, N36,N38	چشم‌انداز از آینده شغلی	تعریف آینده	
N13,N25,N30,N33,N43	درک و تبیین اهمیت علمی رشته	جایگاه روشن علوم انسانی	

همان‌طور که جدول ۶ نشان داد دانشجویان مهم‌ترین عوامل دستیابی به انتظارات خود را کسب انگیزه از طرق مختلف، تکیه بر توانمندی‌های خود و نوع انتخاب‌ها، عوامل مرتبط با محتوای دروس، خانواده، توانمندی اساتید، تعریف آینده، جایگاه روشن علوم انسانی می‌دانستند.

جدول ۷: موانع دستیابی به انتظارات از رشته تحصیلی

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N4,N6,N8,N9,N21,N22,N36, N38,N39,N40,N47	بی‌مسئولیتی و حق‌کشی برخی اساتید	کم‌کاری اساتید	موانع دستیابی به انتظارات از دانشگاه
N1,N2,N21,N22,N36,N38,N39,N40,N41,N42,N45,46	وجود اساتید ضعیف و سهل گیر		
N4,N6,N8,N9,N11,N12,N14, N15,N16,N18	عدم‌حمایت اساتید از کارهای تحقیقی و عملی دانشجویان		
N25,N28,N31,N32,N34	تدریس ضعیف برخی اساتید و پرداختن به فعالیت‌های جنبی		
N9,N11,N12,N14,N15,N16, N22,N36,N38,N39,N40,N41	عدم انگیزه و تقویت از سوی اساتید		
N4.N9.N12,N21,N42	تدریس نظریه‌ها بدون توجه به کاربرد عملی این تئوری‌ها	استفاده از روش‌های تدریس قدیمی	
N5,N6,N8,N9,N12,N15,N17, N25,N28,N31,N33,N34,N36, N37,N38,N39,N40,N43,N46	تدریس جزوه‌های چندساله تکراری و کسل‌کننده		
N4,N6,N7,N9,N11,N12,N15, N16,N24,N28,N31,N32,N34, N36,N37,N38,N39,N40,N41, N45	روش تدریس سخنرانی و عدم استفاده از مشارکت دانشجویان، بحث و کار گروهی		

N3,N5,N7,N18,N19,N20N23, N24,N26,N27,N29,N30,N33, N35, N37, N42,N44,N46,N47	کم‌کاری و تنبلی خود دانشجو	**ورود دانشجویان ضعیف**	
N10,N13,N17,N19,N20, N33,N35,N37,N42,N43, N46,N47	حجم زیاد کلاس از دانشجویان ناهمسان در علاقه و استعداد		
N10,N13,N17,N18,N19,N20 N23,N24,N26,N27, N33,N34,N37,N40,N41,N45	انتظار کم از دانشجویان و به چالش نکشاندن دانشجویان	**پیش‌فرض اولیه از دانشجویان علوم انسانی به‌عنوان ضعیف و ناتوانمند**	
N1,N4,N11,N15,N18,N29,N3 4,N37,N44	عدم پیگیری میزان پیشرفت در درس‌ها یا کنترل فعالیت‌های علمی توسط یک مرجع خاص	**فقدان نمودار پیشرفت و پیگیری آن**	
N11,N13.N14,N29.N33,N40	کارایی نداشتن برخی از رشته‌ها	**رشته‌های بدون کارایی و خارج از رده برای حل مسائل روز**	
N12,N17,N20,N28,N29,N43	تمسخر توسط همکلاسی‌ها در کلاس و چسباندن انگ «خرخوان و بچه دبیرستانی»	**محیط ناکارآمد**	
N4,N7,N11,N15,N17,N21,N2 3,N29,N34, N36,N38	محیط خوابگاه به‌علاوه وجود دوستان بد، بیکار و شب امتحانی در سطح خوابگاه		
N1,N3,N17,N19,N22,N31,N3 8	کمبود امکانات مدرن دیجیتال	**عدم بهره‌مندی از امکانات مدرن**	
N2,N5,N35,N37,N38,N39,N4 0,N41, ,N45,N46,N48	بی‌انگیزگی به دلیل نداشتن آینده‌ای روشن برای کاربرد علم	**آینده نامشخص**	
N6.N7,N9,N11,N12,N15,N16 ,N17,N19,N24,N26,N28,N31, N33,N34	بیکاری حک‌شده در ذهن		

طبق جدول ۷ دانشجویان مهم‌ترین موانع دستیابی به انتظاراتشان از رشته تحصیلی خود را کم‌کاری اساتید، استفاده از روش‌های تدریس قدیمی، ورود دانشجویان ضعیف، پیش‌فرض اولیه از دانشجویان علوم انسانی به‌عنوان ضعیف و ناتوانمند، فقدان نمودار پیشرفت و پیگیری آن، رشته‌های بدون کارایی و خارج از رده برای حل مسائل روز، محیط ناکارآمد، عدم بهره‌مندی از امکانات مدرن، آینده نامشخص می‌دانستند.

جدول ۸: راهکارهای دست‌یابی به انتظارات از رشته تحصیلی

کد مصاحبه	مفاهیم	طبقه فرعی	طبقه اصلی
N3,N5,N11,N17,N18,N19,N2 7,N31,N32,N43	کاهش حجم کلاس‌ها	**بهبود وضعیت کلاس‌ها و برنامه‌ریزی**	**پیشنهادها برای بهبود وضعیت علوم انسانی**
N5,N7,N9,N10,N13,N16,N21 ,N25,N33,N43,N46	کاهش ساعات کلاسی عمومی و در عوض تدریس موضوعات تخصصی مؤثر		
N3,N6,N8,N15,N22,N28,N30 ,N39,N41,N44	تغییر شکل گفتمان در کلاس‌های دانشگاهی و دوری از دست‌به‌سینه نشستن		
N1,N2,N4,N6,N13,N17,N20, N23,N28,N33,N38,N42	کاهش حجم پذیرش دانشجویان و تأکید بر پذیرش دانشجویان با استعداد	**بهبود وضعیت گزینش دانشجویان**	
N3,N5,N13,N16,N19,N20,N2 2,N25,N31,N36,N40	استوار کردن مبنای درستی برای گزینش دانشجو توسط مسئولین رده‌بالا		
N7,N10,N18,N27,N28,N30,N 34,N37,N41,N48	آزادی در انتخاب رشته		
N5,N7,N9,N14,N17,N22,N23 ,N30,N31,N37,N41,N46	افزایش بازدیدهای علمی و تحرک دانشجو هم در داخل و هم خارج از کشور	**پیوند و ارتباط دانشگاه با جامعه**	
N2,N3,N6,N10,N13,N17,N24 ,N32,N39,N40,N48	برقراری ارتباط با اجتماع و افزایش ارتباط و همکاری دانشگاه با جامعه		
N1,N4,N11,N16,N20,N21,N2 9,N33,N38,N42,N45,N47	آشنا کردن دانشجویان با محیط کار (ارتباط بین دانشگاه و محیط‌های کاری مناسب برای رشته)		
N2,N5,N6,N14,N22,N26,N31 ,N37,N40,N42,N44	ارائه تکالیف علمی محرک حل مسئله در آینده	**اصلاح فرایند آموزشی رشته‌های علوم انسانی**	
N3,N4,N7,N8,N10,N13,N17, N18,N21,N24,N28,N33,N34, N36,N39,N41,N46,N48	بهبود محتوای کتاب‌ها و معرفی کتاب‌های مفید		
N6,N7,N8,N9,N14,N15,N19, N22,N28,N30,N31,N35,N36, N38,N39,N41,N45,N46	برگزاری کارگاه‌های کاربردی و تأکید بر یادگیری‌های کاربردی و کارهای عملی		
N13,N16,N25.N39	تأکید بر نوآوری‌های دانشجویان بجای حفظ جزوه‌های کلاسی		
N2,N4,N10,N17,N18,N20,N2 6,N32N41,N43,N47	افزایش بحث گروهی		
N1,N7,N12,N16,N20,N23,N2 9,N35,N38,N43,N45,N47	بالا بردن کیفیت آموزش‌های دانشگاهی		

N1,N6,N1,N18,N19,N20,N23,N24,N25,N27,N29,N30,N33,N35, N38, N42,N45,N46,N48	تدریس موضوعات معنادار، جدید و مطرح روز، متنوع، علمی و عملی به‌صورت تئوری و کاربردی		
N13,N18,N21,N29,N33,N38,N42,N37	بررسی و ارزیابی توان علمی و تدریس اعضای هیأت علمی	**پیگیری و بررسی توان علمی اساتید بر اساس ضوابط خاص**	
N7,N8,N12,N30,N34,N38,N44	استخدام اساتید با سواد و سخت‌گیر و سخت‌کوش		
N11.N17,N35,N39	ارزشیابی از اساتید و تصمیم‌گیری درباره‌ی ادامه‌ی کار آن‌ها بر اساس ارزشیابی‌های دانشجویان		
N2,N15,N19,N23,N26,N31,N35,N39,N43	پاسخگویی اساتید در قبال میزان سواد دانشجویان		
N18,N32,N39,N45	جذب اساتید علاقه‌مند به دانشجو		
N3,N4,N5,N8,N9,N14,N17,N19,N23,N25,N28,N29,N32,N35,N36,N37,N40,N42,N44	ارائه مسئولیت به دانشجو فعالیت و کار عملی بیشتر به دانشجویان و عدم انحصار دانشجو در پشت صندلی کلاسی	**فعال کردن و به فعالیت واداشتن دانشجویان**	
N4,N6,N7,N9,N10,N12,N15,N16,N24,N28,N29,N32,N34,N36,N37,N38,N39,N40,N43,N45	استفاده از توانمندی‌های دانشجویان در حل مسائل مختلف برای کسب احساس مالکیت و مسئولیت		
N5,N8,N11,N17,N23,N25,N26,N33.N41,N44,N46	ترغیب دانشجویان به بحث‌های علمی به‌جای اهمیت صرف به کسب نمره بهتر		
N1,N2,N10,N13,N16,N9,N20,N22	تأکید بر تقویت انگیزه و توانایی‌های دانشجویان در زمینه رشته‌ی آن‌ها		
N8,N18,N26,N27.N29,N30,N31,N35,N41,N42,N47	شکوفایی استعدادهای فراگیران		
N4,N7,N9,N10,N14,N25,N28,N33	ایجاد جو علمی در دانشگاه	**ایجاد جو علمی**	
N17,N16.N25,N26.N31,N41,N3	افزایش امکانات رفاهی به‌علاوه سالن مطالعه مجهز به سیستم الکترونیکی	**بهبود و افزایش امکانات**	
N2,N5,N10,N11,N35	جذب مشاوره‌ها خوب		
N12,N24,N28,N29,N33,N40 NN46	بهبود سرمایه‌گذاری و مدیریت سرمایه برای خرید امکانات و چگونگی استفاده از آن		
N1,N3,N4,N5,N6,N10,N14,N15,N18,N19,N21,N27.N28,N32,N35,N39,N44,N45	در نظر گرفتن فرصت‌های استخدامی	**برنامه‌ریزی و نیازسنجی برای آینده شغلی**	
N17.N23,N30.N42	برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای آشنایی اساتید با شیوه‌های تدریس و ارزشیابی	**فرا برنامه‌ها**	

همان‌طور که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد دانشجویان مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به انتظاراتشان از دانشگاه را بهبود وضعیت کلاس‌ها و برنامه‌ریزی، بهبود وضعیت گزینش دانشجویان، پیوند و ارتباط دانشگاه با جامعه، اصلاح فرایند آموزشی رشته‌های علوم انسانی، پیگیری و بررسی توان علمی اساتید بر اساس ضوابط خاص، فعال کردن و به فعالیت واداشتن دانشجویان، ایجاد جو علمی، بهبود و افزایش امکانات، برنامه‌ریزی و نیازسنجی برای آینده شغلی، فرا برنامه ها می دانستند.

بحث

هدف مقاله حاضر، بررسی این ابهام بود که آیا آموزش عالی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نموده است که فراگیران رشته‌های علوم انسانی به نحو احسن از وقت، نیرو و توان خود استفاده نمایند و دچار بیکاری پنهان حین تحصیل نشوند یا چنانچه بیکاری پنهان وجود دارد، دلایل اصلی آن‌ها چه چیزهای می‌تواند باشد و چه راهکارهایی برای آن پیشنهاد می‌شود. همان‌گونه که یافته‌ها نشان داد هم اساتید و هم دانشجویان معتقدند بیکاری پنهان حین تحصیل در بین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به‌طور آشکار وجود دارد. درواقع، اوقات زیادی از دانشجو– به دلیل ناهنجاری‌های سیستم آموزشی و عدم شناخت واقع‌بینانه و جدی دانشجویان از رشته خود و آینده آن – هدر رفته و صرف انجام فعالیت‌های غیردرسی می‌شود. به عبارتی، در این نوع بیکاری، دانشجو به‌ظاهر به فعالیت‌های علمی می‌پردازد، اما فعالیت مؤثر و مفید دانشگاهی انجام نمی‌دهد و عملاً بهره‌وری کامل یا استفاده بهینه از وقتش را ندارد. عوامل بیکاری پنهان حین تحصیل که هم اساتید و هم دانشجویان مصاحبه‌شونده به‌طور مشترک به آن اشاره‌کرده بودند، عبارت‌اند از ناامیدی از آینده شغلی، برنامه‌ریزی نادرست مسئولین رده‌بالا، پذیرش بی‌حساب دانشجو، عدم به چالش کشاندن دانشجویان و بی‌انگیزگی.

بحث آینده شغلی را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که گرچه در جامعه این دیدگاه تثبیت شده است که دانشجو بعد از فارغ‌التحصیلی باید به استخدام در بیاید، اما هدف دانشگاه، آموزش مهارت‌های شغلی به‌تنهایی نیست، بلکه بیشتر ایجاد فرصت برای یادگیرنده شدن است. به عبارتی لازم است

دانشگاه باید مسائل جامعه را وارد بستر دانشگاهی نماید تا دانشجویان با کار و ارائه نظر درباره‌ی آن‌ها یک یادگیرنده و حل‌کننده مسائل شوند. در دل یادگیرنده شدن، کنشگری و کسب مهارت‌های حل مسئله جهت مواجهه فراگیر با مسائل واقعی است. این امر زمانی محقق می‌گردد که دانشگاه و جامعه به‌طور پویایی با همدیگر مرتبط باشند و نیازهای جامعه مرکز فعالیت‌های دانشگاه باشد.

همان‌طور که نتایج نیز نشان داد اساتید و دانشجویان نیز دارای نقطه‌نظرات متفاوتی بودند به‌گونه‌ای که اساتید بیشتر بر عوامل برون دانشگاهی چون کمبود فرصت شغلی، پذیرش بی‌حساب دانشجو و برنامه‌ریزی نادرست سیاست‌گذاران تأکید داشتند و دانشجویان بیشتر بر عوامل درون دانشگاهی چون سهل‌گیری اساتید، انفعال، تدریس نظریه‌های قدیمی و جدا از مسائل روز، غیرکاربردی بودن دروس، عدم استفاده از توانمندی‌های دانشجو، عدم انتظار انجام کار دشوار از دانشجو و ارزشیابی‌های نادرست تأکید کردند. چنین به نظر می‌رسد که یکی از دلایلی که دانشجویان بیشتر بر عوامل درون دانشگاهی تأکید داشتند این است که آن‌ها محیط دانشگاهی، به‌ویژه اساتید و عملکرد حرفه‌ای آن‌ها را مؤثرترین و کارسازترین مؤلفه‌ی نظام تربیت دانشگاهی می‌دانند که بر بخش اعظم یادگیری‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درعین‌حال، آن‌ها نیروهای جوانی هستند که دارای توانایی‌های بالقوه‌ای هستند و انتظار دارند این توانایی‌ها در محیط دانشگاه به کار گرفته شوند و یادگیرنده شدن را در اینجا تجربه کنند؛ اما چنین به نظر می‌رسد دلیل اینکه اساتید بیشتر بر عوامل برون دانشگاهی تأکید داشتند این است که اساتید در طی سال‌های تدریس با استعدادهای مختلفی مواجهه شده‌اند که متناسب با رشته موردعلاقه خود وارد نظام دانشگاهی نشده‌اند و این عامل، تدریس را برای آن‌ها نیز مشکل نموده است، درواقع، بعد از سال‌ها تدریس این دیدگاه تثبیت شده است که دانشجویان به فهم این دروس علاقه‌ای ندارند و از استاد خود انتظارات زیادی ندارند. همین عامل به‌تدریج آن‌ها را به سمت آموزش‌های سنتی و تکراری سوق داده است.

همچنین، دانشجویان اذعان نمودند که درس‌های آن‌ها کاربردی تدریس نمی‌شود و با مهارت‌های شغلی ارتباط ندارند. این یافته همسو با یافته پژوهش صفری و سمیع‌زاده (۱۷)، کارنما (۱۸) و مروتی و مروتی (۱۹) است. چنین به نظر می‌رسد که در آموزش رشته‌های علوم انسانی، مسائل جامعه، محور آموزش نیستند و صرفاً به دل‌بستگی‌های ایدئولوژیک و تکرار روگرفت‌هایی از آخرین مکاتب یا روش‌های متداول در غرب به‌صورت سخنرانی اکتفا می‌شود. درواقع، جامعه ایدئولوژیک بیشتر متمایل به سکوت است تا به آشکارسازی مسائل و بحث و نقد در مورد آن‌ها. با نظر به این مطالبه حاکمیت از علوم انسانی، نباید انتظار توسعه و تأثیر و کارایی این علوم را در کشور داشت. این در حالی است که علوم انسانی باید باعث بشوند که افراد از این نظام تعلقاتی که به آن‌ها حالت ایستا داده است، فاصله بگیرند و آن را موضوع موردمطالعه و تحلیل و نقد قرار دهند. فلسفه تأسیس علوم انسانی فهم بیشتر برای تغییر بهتر است، نه توجیه وضع موجود.

ازآنجاکه دانشجویان معتقد بودند که اساتید بیشتر از روش تدریس سخنرانی تأکید می‌کنند، باید توجه داشت که در مقام نظر، تلقی نسبت به ماهیت یادگیری، باید بر تصمیم‌گیری در مورد تدریس، مقدم باشد. ازاین‌رو، نیاز است که اساتید ابتدا دیدگاه خود را درباره‌ی نحوه‌ی کسب دانش مشخص نمایند و دلایل منطقی آن را نیز در نظر داشته باشند و سپس برای نحوه‌ی انتقال دانش به دانشجویان برنامه‌ریزی نمایند. ازاین‌رو، سخنرانی به‌تنهایی برای تحقق اهداف یادگیری همراه با درک و فهم، وافی به مقصود نبوده و باید به شکل کاملاً مقتصدانه یا محتاطانه همراه با عناوینی مانند «فعالیت‌های عملی»، «شبیه‌سازی»، «پروژه‌های عملی» و «استفاده از رسانه‌ها»، به کار گرفته شود تا دارای بازدهی لازم باشد. این موضوع همچنین، مبین این ضرورت است که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای آشناسازی اعضای هیئت‌علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها با دانش روز در حوزه نظریه‌های جدید یادگیری و تدریس، برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کنند تا بدین‌وسیله زمینه آشنایی و بهره‌گیری از انواع نظریه‌های جدید در فرایند یاددهی و یادگیری در دانشگاه‌ها هر چه بیشتر فراهم شود. بعلاوه، «دانش‌پژوهی تدریس» در کنار دانش‌پژوهی تخصصی و دیسیپلینی به یک اولویت برای استادان تمام رشته‌ها، تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد بیشتر دانشجویان معتقد بودند که با توجه به انتظارات اساتید وقت و برنامه‌های خود را تنظیم می‌کنند، چنانکه اساتید آن‌ها را درگیر نماید، به فعالیت می‌پردازند و چنانکه اساتید انتظاری نداشته باشند،

آن‌ها با خیال راحت به اتلاف وقت می‌پردازند. این تجربه‌ی زیسته دانشجویان، نظرات آلن (امیل شارتیه)[2] که تعلیم‌وتربیت را عبارت از ایجاد زمینه «فتح مداوم» (۲۰) می‌داند، تأیید می‌کند؛ زیرا فراگیران خواهان غلبه‌ی بر خویشتن و برکشیدن خود به مافوق خویش هستند، نیروی آن‌ها متوجه فعالیت‌های دشوار است و از انجام آن‌ها احساس لذت می‌نمایند. درواقع، با اینکه فعالیت دشوار و حل آن برای انسان جاذبه دارد، اما انسان به میزانی که محیط از او انتظار دارد از توانایی‌های خود بهره‌گیری می‌نماید و زمانی که با عدم بهره‌گیری مواجه می‌شود ستیز و تنش و نوعی بی‌برنامگی در او به وجود می‌آید. این روند باعث می‌شود شأن انسان به‌طور هوشمندانه رشد ننماید؛ بنابراین در پشت هر تعلیم‌وتربیتی باید میزان انتظار از فراگیران مشخص و برنامه‌ریزی‌شده باشد و فراگیر را از بالاترین درجه‌اش به کار گیرد (۲۱). به قول نیچه دانشگاه باید مکانی برای کشف آنچه نمی‌دانیم باشد و شاید شادی ما همان چیزی است که درباره‌اش هیچ نمی‌دانیم، انسان با شور غلبه بر ندانسته‌ها احساس ارزشمندی و تسلط می‌کند و بارور می‌شود (۲۲). به همین دلیل آلن معتقد است باید انجام کارهای دشوار را به فراگیران واگذارد؛ زیرا آن‌ها تنها از راه مبارزه علیه دشواری‌های می‌توانند قدرت اراده خویشتن را ضبط و اداره کنند و بر هوی و هوس خود (به سخنی آنچه آن‌ها را به فعالیت‌های غیرعلمی می‌کشاند) چیره شوند. درعین‌حال، با انجام فعالیت‌های دشوار به جوهره متمایز و پیش‌بینی‌ناپذیر خود نزدیک می‌شوند. از دیدگاه آلن، هنر استاد باید گرسنه کردن فکر دانشجو باشد تا او شخصاً به کوشش واداشته شود (۲۱). در این میان، چنانچه استاد از دانشجو انتظار نظرورزی درباره‌ی حل مسائلی که در جامعه وجود دارد، نداشته باشد، او به اتلاف وقت امید پیدا خواهد کرد و هرگز به امور جدی و دقت در آن‌ها تن نخواهد داد. ازاین‌رو، هر سیستم آموزشی باید محلی برای تمرین اراده باشد تا فرد بتواند از طبیعت خویش به نحو احسن و کامل بهره‌برداری کند. متأسفانه، در وضعیت موجود تجربیات دانشگاه در زمینه رشته‌های علوم انسانی در ظرفی بسته صورت می‌گیرد، یعنی فراگیران این رشته‌ها به فعالیت و مشارکت وا داشته نمی‌شود. ازآنجاکه فراگیران تنها از طریق آنچه می‌شنوند و می‌بینند، رشد نمی‌کنند، بلکه از طریق آنچه انجام می‌دهند، پیشرفت می‌کنند، لازم است در برنامه‌ریزی برای این رشته‌ها، تغییراتی به وجود آید تا روح علمی حاکم شود و فراگیران آن‌ها بیازمایند، عمل کنند و مجدداً عمل نمایند. به عبارتی، به فراگیر نگاه ارزشی شود. ازاین‌رو، اگر قرار است علوم انسانی دارای جایگاه شایسته‌ای شود، سزاوار است که تغییر و تحولاتی در آن به وجود آید و این تغییرات ابتداً از درون صورت پذیرد؛ یعنی اساتید به‌طورجدی و اساسی ضمن استفاده از شیوه‌های نوین تدریس، زمینه بروز خلاقیت و بهره‌برداری از استعدادها، توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های دانشجویان را فراهم نمایند، از متون و منابع جدید علمی استفاده کنند، در شیوه‌های ارزشیابی خود تجدیدنظر نمایند و به عبارتی خواستار تحقق اهداف دانشجو در رشته موردنظر باشند. سپس از بیرون با فراهم کردن فرصت شغلی و استفاده از علم چکش‌کاری شده‌ی دانشجو، زمینه توسعه و ترقی رشته‌های علوم انسانی را فراهم نمود. به این شکل، انگیزه‌ی استفاده از نیرو و توان و غلبه بر دشواری‌ها، در دانشجو تقویت می‌شود.

به‌طور خلاصه با نظر به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان اعم راهکارها برای بهبود بیکاری پنهان حین تحصیل عبارت‌اند از:

- برگزاری کنکور تخصصی از رشته موردعلاقه دانشجو به‌جای کنکور عمومی برای حل مسئله شناخت و علاقه دانشجو نسبت به رشته تحصیلی؛
- به‌کارگیری روش تدریس تعاملی (برای واداشتن دانشجویان به مشارکت، بحث، اندیشه و تحلیل) در رشته‌های علوم انسانی؛
- تدوین کتاب‌ها درسی رشته‌های علوم انسانی بر مبنای نظریه‌های نوین آموزشی مانند مسئله‌محوری، تفکر تحلیلی، تفکر انتقادی و تفکر خلاق؛

[2]. Alain – ***Emile*** Chartier

- مستدل، جذاب و به‌روز کردن مطالب درسی و انطباق مطالب با نیازهای حال و آینده جامعه و نیازهای بازار کار؛
- پرورش ذهن دانشجو در جهت مسئله‌یابی، قضاوت و تصمیم‌گیری در مورد یک موضوع و ارائه دلیل برای آن؛ و شناسایی موضوع‌های نو و کاربردی؛
- طرح پرسش‌های کلاسی سطح بالا برای تحریک حس کنجکاوی دانشجو و ایجاد چالش و ابهام در ذهن دانشجویان برای طرح افکار و نظریات جدید؛
- شرکت دادن دانشجویان در حل مسائل مختلف جامعه، به‌منظور بهره‌برداری از نیروهای فردی‌شان و پیدا کردن تصور عالی از توانایی‌هایشان؛
- ترسیم ماهیت رشته‌های علوم انسانی بر اساس نیازمندی‌های جامعه؛
- حذف روحیه نمره‌گرایی و جایگزینی روحیه جستجوگری و پژوهش گرایی در دانشجویان و استفاده از ارزشیابی تکوینی در کلاس‌های درس؛
- همکاری با سازمان‌های واسط جهت پیوند دانشگاه و بازار کار؛
- افزودن مهارت‌های کسب‌وکار و توانایی کارآفرینی و خلاقیت در برنامه‌های دانشجویان علاوه بر دانش نظری؛
- کاهش حجم کلاس‌ها؛
- برگزاری انواع دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی پیش از خدمت و حین خدمت؛

با نظر به اینکه، راهکارهای مذکور، برخاسته از تجربه‌های زیسته اعضاء هیئت‌علمی و دانشجویان موردبررسی است، تصویر نسبتاً دقیقی از واقعیات فعلی آموزش عالی را منعکس می‌کند؛ بنابراین برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری به‌منظور استفاده از این راهکارها می‌تواند به‌عنوان گام مؤثری برای ارتقاء و بهبود وضعیت فعلی رشته‌های علوم انسانی محسوب شود.

سپاسگزاری

از کلیه اساتید و دانشجویانی که به ما وقت مصاحبه دادند و از دیدگاه‌های آن‌ها بهره بردیم، سپاسگزاریم.

ملاحظات اخلاقی

موضوع این پژوهش بر اساس دغدغه محققین نسبت به علل ضعف علوم انسانی موردتوجه قرار گرفت و در دانشگاه فردوسی مشهد انجام‌شده است.

کد اخلاقی:

IR.UM.REC.1399.017

تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافعی بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

1) Khosrupanah A. What is the philosophy of the humanities? The Mirror of Knowledge. 2012; 10 (31): 1-28.

2) Sharyati S. Why should we study humanities? https://www.cgie.org.ir/fa/news/177868. Monday, July 3, 2017.

3) Donald J, Lachapelle S, Sasso T, Gonzales-Morales G, Augusto K, McIsaac J. On the place of the humanities and social sciences in the engineering curriculum: a Canadian perspective. Global Journal of Engineering Education. 2017; 19 (1):6-18.

4) Ghaneei Rad M, Mahmoudi M, Ebrahim Abadi H. Developing a Multifaceted Model for Evaluating Human Development. Science and Technology Policy. 2016; 9 (1): 85-103.

5) Cohen P. In tough times, the humanities must justify their worth. New York Times. 2009 Feb 25; 24: B17-8.

6) Bhabha H. Migration, Rights and Survival: The Importance of the Humanities Today. From the European South. 2018; 1 (3):7-12.

7) Mahdavi Azadbani R. Scientology and crisis in the humanities. Epistemological Studies in Islamic University. 2012; 16 (50): 87-102.

8) Moridi Farimani F. Condition of Humanities at Iranian Universities. Hozeh Database. 2008; (6): 1-3.

9) Azizi N. Investigating ways to improve the research performance of faculty in the humanities. Culture Strategy Journal. 2013; 6 (21): 7-33.

10) Ghanadi Nejad F, Heidari G. Explaining the Barriers and Approaches to Theory in the

Humanities and Social Sciences (Case Study: Faculty Members of Shahid Chamran University of Ahvaz). Rahyaft Journal. 2018; 28 (71): 19 – 31.
11) Sabouri A A, Poursasan N. Production of Iranian science in 2004. Rahyaft journal. 2005; (34): 60-66.
12) Behdarvand M M. Crisis in Contemporary Human Sciences (1). Shamim Yassi. 2001; (8): 1-8.
13) Heshmatzadeh M B. What is the existence of the humanities; some barriers and solutions. Qabasat journal. 2004; 9 (34): 48-72.
14) Bagheri Sh. Social-Humanities from Crisis to Localization: Criticisms and Solutions. Methodology of Humanities. 2008; 14 (54): 47-66.
15) Mehr Mohammadi M, Frastkhah M, Bagheri Kh, Fazeli N, Musa Pour N, Attaran M, Hatami J. Desirable strategies for teaching humanities in Iranian universities. Iranian Higher Education. 2014; 4 (1): 85-128.
16) Danaifard H. An Analysis on the Barriers to Knowledge Production in the Humanities: Guidelines for Capacity Building of National Iranian Science Policy. Science and Technology Policy. 2009; 2 (1): 1-16.
17) Safari S, Samizadeh M. Needs Assessment of Entrepreneurial Knowledge and Skills Training in Humanities. Educational Technology (Technology & Education). 2012; 7 (1): 65-79.
18) Karnama A. Role of State Institutions in Promotion of Humanities (Universities and Ministries). National Congress of Humanities. 2008.
19) Marwati M, Marwati M J. Studying Humanities in Iranian Universities from the Perspective of Supreme Leader: Challenges and Solutions. Marefat journal. 2010; 19 (153): 13-22.
20) Karimi A. Education is not "domesticate". 2009; https://rasekhoon.net/article/show/133845.
21) John G. Alain and the Making of a Non-Conformist. Journal of Moral Education. 1983 Jan 1;12(1):56-66.
22) Nietzsche, F. Twilight of the Idols. Translated by Dariuosh Ashori, Agah publisher, 2016.